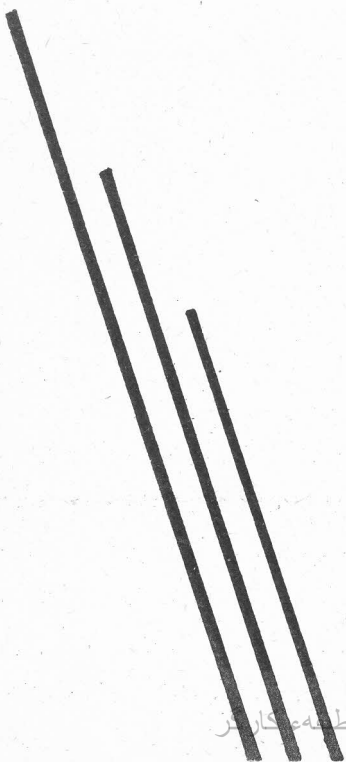


نکاتی پیرامون

مسائل جنبش

دانشجویی



گروه انقلابیون مارکسیست لنینیست

(پیکار خلق)

شیر، استان، سازمان پیکار در راه آزادی طایفه کارگری

بیاد داریم دو سال پیش ، آبان و آذر ۱۳۵۶ را . آن زمان جنبش عظیم تودهای مردم در حال آغازیدن بود . جنبش دانشجویی و در رأس آن دانشجو-یان مبارز و انقلابی با کشیدن دامنه مبارزات خود به خیابانها و توداوم پیگیرانه آن ، با برگزاری اولین جمععات و جلسات وسیع در دانشگاه و کشیدن بخشهایی از توده مردم به این جلسات و با درآمیختن مبارزات خود با توده وسیع مردم ، نقش بسیار پرارزشی در شکل گیری مبارزات توده ای ایفا نمودند و براستی که حکم پرستوی انقلاب را داشتند .

در ۱۳ آبان ۱۳۵۷ ارتش فاشیستی شاه به دانشگاه حمله نمود تا مگر با کشتار وحشیانه این سنگر آزاد یخواهی را درهم شکند . اما دانشجویان مبارز و انقلابی نشان دادند که دانشگاه یکی از سنگرهای تسخیرناپذیر از مبارزات توده ای مردم است . امروز پس از گذشت یکسال از آن کشتار وحشیانه با وجود اینکه رژیم فاشیستی شاه به برکت مبارزات قهرمانانه توده مردم در سرتاسر ایران ، سرنگون شد ، اما همچنان ارتجاع بالباس مردم فریب بر مقدرات میهن ما حاکم گردیده است . ارتجاع حاکم ، امروز نیز چون گذشته سعی بر این دارد که بدانشگاه ، این سنگر آزاد یخواهی یورش برد . درست بهمین خاطر است که ارتجاع حاکم هر روز بنوعی و در لباسی علیسه جنبش انقلابی دانشجویان توطئه می چیند . از یکسو با گسیل دسته های اوپاش ، مراکز و دفاتر گروه بندیهای مترقی دانشجویی را ویران می کند ، و از سوی دیگر با بوجود آوردن دستجات ارتجاعی دانشجویی کوشش در منحرف نمودن مبارزات توده ای دانشجویی را دارد . اما مبارزات توده دانشجویی خاموشی ناپذیر است . زیرا این مبارزات نتیجه تضاد بین منافع خلق و سلطه جابرانه امپریالیسم و ارتجاع داخلی است . ناشی از این تضاد ، جنبش دانشجویی اجتناب ناپذیر می باشد . هر چند بخشهایی از دانشجویان بعلت منشاء خانوادگی ، بعلت طرز تفکر و رفاه خانوادگی و نزدیکی شکل زندگی شان با بورژوازی ، خود را بیشتر به طبقات حاکم نزدیک میدانند تا به زحمتکشان و میخواهند تضاد خود با زحمتکشان ، یعنی تضاد بین کاریدی و فکری ، را به خصومت با زحمتکشان و همبستگی با طبقه حاکم بکشانند ، اما از نظر عینی توده وسیع دانشجویان و شاغلین کار فکری که مجبورند شوره کار فکری خود را در بازار سرمایه داری به سرمایه دار

مفروشند ، باتوده زحمتکشان نزدیک تر می باشند تا به طبقات حاکمه . مبارزات توده دانشجویی اساساً برانگیخته از موجود بودن این تضاد عینی می باشد . اما علیرغم همه اینها دانشجویان یک قشر یک دست و یکپارچه را تشکیل نمیدهند . دانشجویان بعلت اینکه با علم سروکار دارند و بعلت اینکه برطبق موقعیت خویش به علم اندوزی و تحقیقات علمی می پردازند ، بیش از هر قشر و یا طبقه اجتماعی دیگری نسبت به رخداد های جامعه از خود عکس العمل نشان میدهند ، و منافع طبقات مختلف جامعه را در خود منعکس مینمایند . لنسین میگوید : " دانشجویان حساسترین بخش روشنفکران میباشند ، اماروشنفکر درست باین جهت روشنفکر خوانده می شود ، زیرا او تکامل منافع طبقاتی و گروهبندیهای سیاسی کل جامعه را به آگاهترین ، قاطعترین و دقیقترین نحوی منعکس نموده و بیان میدارد . " یعنی اختلاف منافع طبقات مختلف که براساس آن گروهبندی سیاسی شکل گرفته است در میان آنها منعکس میگردد و پایه و شالوده گروهبندیهای دانشجویی را همین موجودیت طبقات مختلف درون جامعه تشکیل میدهد مضافاً باید بگوئیم این بدان مفهوم نیست که تمام گروههای سیاسی درون جامعه عیناً بصورت دسته بندی مشخص در جنبش دانشجویی منعکس میگردد بلکه گروهبندیهای درون دانشجویان در تحلیل نهائی با منافع طبقات و اقشار مختلف جامعه منطبق است .

اگر چه که امروز تحت تأثیر جو موجود سیاسی در تمام جامعه ، هنوز سرز بندی ها دقیق نشده است ، اما با توجه به عمق جریانات روشن میگردد که ما در محیط دانشگاهها و مدارس اصولاً با چهار دسته بندی اساسی سروکار داریم

- ۱ - ارتجاعیون مشتمل بر نیروهای مذهبی دست راستی ، طرفداران رژیم سابق و امپریالیسم و دارو دسته هائی چون رویزیونیستهای طرفدار حزب " توده " و سازمان " انقلابی " ، تروتسکیستها و غیره .
- ۲ - منفعلها که با " بی تفاوتی " نسبت به تمام جامعه بدنبال گرفتن مدارک تحصیلی جهت زندگی مرفه هستند .

- ۳ - آکادمیستها که تمام خصوصیات لیبرالی و اصلاح طلبی جهت اصلا -
از میان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر
حات محیط آموزشی را در خود منجم میسازند .

۴ - نیروهای سیاسی مترقی که مبین خواسته های اقشار مختلف خرده - بورژوازی دمکرات و پرولتاریا می باشند .
دسته بندی اخیر خود از نظر تعلقات طبقاتی از عناصر مختلفی تشکیل گردیده است :

الف - طرفداران سازمان مجاهدین خلق ایران و سایر گروههای مذهبی مترقی که انعکاس منافع خرده بورژوازی دمکرات می باشند .
ب - دانشجویان طرفدار جنبش کمونیستی که این دسته خود از دو بخش تشکیل می گردد :

اول - سازمان دانشجویان پیشگام (طرفداران سازمان چریکهای فدائوی خلق) . این سازمان علیرغم اینکه خود را مدافع پرولتاریا معرفی میکند لیکن در اساس بیان منافع خرده بورژوازی رادیکال (چه در ایدئولوژی و چه در سیاست) میباشد و مبارزه ایدئولوژیک با نظرات آنها بخاطر حفظ پاکیزگی مارکسیسم ضروری است .
دوم - طرفداران مشی توده ای پرولتری .
بنابر آنچه که گفته شد و خصیصه معین در جنبش دانشجویی به چشم می خورد :

الف - توده دانشجویی بطور عینی در تضاد با سلطه امپریالیسم و حامیان بومی آن می باشد و اکثریت آن میتواند در یک جنبش عام دمکراتیک و ضد امپریالیستی شرکت نماید .

ب - در بین دانشجویان ، بخصوص در بین بخش سیاسی آن ، گروه - بندیهای معینی بر پایه منافع طبقاتی بطور اجتناب ناپذیر شکل میگیرند . بر اساس این خصایص امروزه از طرف نیروهای کمونیستی جامعه ما نظرات و رهنمود های مختلفی برای سازماندهی جنبش دانشجویی ارائه میشوند که مهمترین آنها سه پیشنهاد زیرین است :

۱ - سازمان عام دمکراتیک سرتاسری در ورا گروه بندیهای موجود ، یعنی چیزی شبیه کنفدراسیون جهانی دانشجویان خارج از کشور تا قبل از سال

۱۹۷۴ .

۲ - تشکل های کوچک دانشجویی وابسته به سازمانها و گروههای

کمونیستی موجود و مسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۳ - اتحاد دانشجویان طرفدار سازمانها و گروههای کمونیستی در
یک تشکل واحد .

ما زیلاً به بررسی این سه پیشنهاد پرداخته و نظرات خود را در این
رابطه مطرح می‌سازیم .

پیشنهاد اول یعنی سازمان عمومی دمکراتیک سرتاسری در ورا^۱ گروهبندی-
های سیاسی هم از نظر علمی - تئوریک و هم از نظر عملی - سیاسی در
شرایط کمونی جامعه^۲ ما فاقد هرگونه اعتباری باشد . این نظریه مستقل
از آنکه مدافعان آن از عاقلان و یا کتمان نمایند ، خواهان زدودن مرزبندی-
های روشن طبقاتی در بین گروهبندیهای دانشجویی است . اما از آنجا
که بقول لنین : " گروهبندیهای سیاسی دانشجویی نه تصادفی بلکه
ضروری و اجتناب‌ناپذیر می‌باشد " ، لذا کوشش در زدودن این
مرزبندیها تحت عنوان سازمان دمکراتیک سرتاسری که در آن مرزبندیهای
سیاسی - ایدئولوژیک مخدوش شده است ، کاملاً غیر علمی و غیر منطقی
بنظر می‌رسد . مدافعین این نظریه واقعاً به جنبش دانشجویی از دریچه^۳
منافع طبقاتی خاص نگاه نکرده ، بلکه سعی دارند تمام مسائل را از دریچه^۴
جنبش عام سیاسی حل و فصل نمایند . جنبش عام سیاسی یعنی مجموعه‌ای
از جنبش لیبرالی یا لیبرالیسم بورژوازی ، دمکراتیسم خرده بورژوازی و
دمکراتیسم پرولتاریائی . چگونه یک کمونیست که میخواهد در بین دانشجوی-
یان سیاست کمونیستی را تبلیغ کند ، میتواند اختلاف بین سه
بخش دانشجویی مذکور را نادیده انگارد و تحت عنوان جنبش عام سیاسی
بدون پرچم ایدئولوژیک - طبقاتی روشن در بین دانشجویان بر نفوذ
کمونیستی بیفزاید ؟ بنظر ما حرف از جنبش عام سیاسی زدن ، بدون
داشتن یک چنین پرچمی روشن ، بمعنای قرار گرفتن در زیر پرچم جنبش
لیبرالی و یا دمکراتیسم خرده بورژوازی می‌باشد . زیرا اینجا سخن بر سر
فعالیت سیاسی در بین دانشجویان است که بنا بر ماهیت خود به طور
اجتناب‌ناپذیر و ناگسستنی با مبارزه^۵ سیاسی در سطح کل جامعه و
احزاب سیاسی موجود در آن مرتبط می‌باشد و ناگزیر سمتگیری بسوی یک
جریان سیاسی ، که بر منافع طبقه^۶ معینی متکی است ، را می‌طلبد . هر
گونه اجترار از این سمتگیری و راه در تضاد با واقعیات عینی قرار داده و

ما را از سیاست کمونیستی منحرف می سازد .
اما از دریچهٔ عملی به مسئله بنگریم . از بررسی نظرات چنین استنباط می شود که رفقای مدافع این نظریه الکوتی از کنفدراسیون دانشجویان ایرانی خارج از کشور تا سال ۱۹۷۴ را در ذهن دارند . اما این رفقا باید توجه داشته باشند که کنفدراسیون دانشجویان ایرانی خارج از کشور تا زمانی به حیات خود بصورت جنبش عام سیاسی ادامه داد که در حیات جامعه ما هنوز گروه بندیهای سیاسی بر پایهٔ منافع طبقاتی خاص شکل نگرفته بود و مبارزهٔ مسلکی و عقیدتی حاد نگردیده بود . یعنی زمانی که مبارزهٔ طبقاتی در جامعه ما یک دوران آرام و بدور از مجادلات حاد سیاسی را طی می کرد . وانگهی نگاهی کوتاه به تاریخچهٔ پیدایش کنفدراسیون دانشجویان ایرانی خارج از کشور بخوبی نشان می دهد که این سازمان واقعاً ، در اوائل سالهای ۱۹۶۰ ، بر پایهٔ یک جنبش لیبرالی و فرمیستی ، که سعی داشت خود را از مبارزهٔ سیاسی بدور نگهدارد و بقول لنین " فرهنگ طلب یعنی پیروان پیشرفت قانونی بدون مبارزهٔ سیاسی " ، بود ، شکل گرفت و در پروسهٔ تکاملی خود به عرصهٔ مبارزهٔ سیاسی ضد امپریالیستی ضد ارتجاعی گذار نمود . مگر روشن نیست بمجرد اینکه دسته بندیهای سیاسی بر پایهٔ منافع طبقاتی خاص در جامعه شکل گرفت و مرز بندیها تا حدودی روشن گردید ، تمام تشکیلات کنفدراسیون ، بمثابة جنبش عام سیاسی ، شکاف برداشت ، شکافی که هیچ نیروی ، با وجود تمام کوششهایش ، نتوانست آنرا پر کند . امروز که مبارزهٔ طبقاتی - سیاسی در جامعه ما به شکل حادی جریان دارد و دانشجویان نیز چنین است ، پس چگونه میتوان از جنبش عام سیاسی دانشجویی صحبت کرد بدون اینکه مرز بندیهای طبقاتی روشن شده باشد ؟ کافی است که تنها سه گروه مترقی دانشجویی را در نظر بگیریم ، مثلاً طرفداران مجاهدین ، طرفداران چریکهای فدائی خلق و طرفداران مشی توده ای پرولتاریائی . این گروه بندیها بر اساسی ترین مسائل مبارزهٔ سیاسی ، یعنی چگونگی برخورد به قدرت سیاسی حاکمه ، مسئلهٔ که اصولاً پایهٔ هرگونه جنبش سیاسی را تشکیل می دهد ، اختلاف نظر شدید دارند . این اختلاف مربوط به برخورد به اجزاء حکومتی و یا جنبه -

های فرعی آن نیست . اختلاف بر سر این است که آیا این حکومت ملی است یا همکار امپریالیسم ؟ این حکومت علیرغم تمام " کمبود ها و سازشکاری هایش " در مجموع ارگان انقلاب است یا ارگان سرکوب انقلاب ؟ و آیا اختلاف بر سر این است که آیا دولت شوروی یک دولت سوسیالیستی است یا یک دولت ضد خلقی ؟ (ما در اینجا مسئله " سوسیال امپریالیسم " را هم مطرح نمیکنیم ، زیرا پایه " مسئله بر سر مرزبندی بین صف خلق و ضد خلق است) و بالاخره اختلاف بر سر این است که از نظر ما چه چیز باید در بین دانشجویان تبلیغ و ترویج شود ، مارکسیسم - لنینیسم و یا تخیلات و پند آرگربهای خرده بورژوازی (چه در زمینه " مذهب و چه در زمینه " مشی چریکی) ؟

بنا بر این صحبت از جنبش عام سیاسی کردن بدون آنکه پرچم ایدئولوژی - طبقاتی ((یعنی روح حزیت)) را در آن مشخص نمائیم ، اگر ناشی از ریاکاری و فرصت طلبی گروهی نباشد ، ناشی از عدم درک قانونمندی درون جنبش دانشجویی و عدم شناخت وظایف کمونیستی در قبال آن است . لنین در برخورد به سوسیال رولوسیونرها ، که ایضاً مخالف روح حزیت یعنی پرچم ایدئولوژیک - طبقاتی در جنبش دانشجویی و مدافع سازمان عام سیاسی بودند ، چنین گفت :

" نویسنده (روزنامه " روسیه " انقلابی " ارگان " سوسیال رولوسیو - نرها " - از ماست -) با این فکر که اختلاف منافع طبقاتی باید خود را بطور ناگزیر در گروه بندیهای سیاسی منعکس نماید ، که قشر دانشجویی همه " عدم نفع پرستی ، پاکی و نیت ایده آلیست و غیره نمیتواند در کل جامعه استثنا باشد ، که این وظیفه " سوسیال - دمکراتهاست که این اختلاف را پنهان نکرده بلکه برعکس آنرا حتی الامکان برای توده " وسیع روشن نموده و آنرا در یک سازمان سیاسی تحکیم بخشند ، بیگانه می باشد . نویسنده مسائل را از دیدگاه ایده آلیستی دمکراتهای بورژوازی نگردنه از دیدگاه ماتریالیستی سوسیال دمکراتها . نویسنده از این جهت شرم نمی کند که دانشجویان انقلابی را به " جنبش عام سیاسی " فرا خوانده و این درخواست را مرتباً تکرار می نماید که برای او مرکز

ثقل درست در جنبش عام سیاسی ، یعنی جنبش عام
دمکراتیک ، که بایستی یکپارچه باشد قرار دارد .

پیشنهاد دوم که بطور مشخص از طرف " سازمان پیکار در راه آزادی طبقه"
کارگر" به پیش کشیده میشود بر این اعتقاد است که گروهها و سازمان های
کمونیستی ، هر کدام باید تشکیلات مستقل خود را در دانشگاهها بوجود
آورند و بعد با حفظ این گروهبندها یک تشکیلات دمکراتیک همراه با
سایر بخشها ، مثل طرفداران مجاهدین و طرفداران چریکهای فدائی
خلق ، بوجود آورند . در مورد قسمت دوم این پیشنهاد که بنظر ما هم
درست است ما در قسمت بعد بحث خواهیم نمود . در مورد تشکیلاتهای
دانشجویی وابسته به سازمانها و گروههای کمونیستی مختلف باید بگوئیم
که اگر پیشنهاد " جنبش عام سیاسی " متوجه مخدوش کردن و زدودن مرز
بود ، این پیشنهاد متوجه بوجود آوردن مرزهای غیر واقعی است که
نهایتاً به مخدوش کردن مرزهای واقعی می انجامد . جنبش کمونیستی
میهن ما در شرایط پراکندگی و تفرقه بسر می برد . این پراکندگی بیان
موجود بودن اختلافات ایدئولوژیک و سیاسی در درون جنبش کمونیستی
می باشد . طبیعی است که این اختلافات ایدئولوژیک و سیاسی در بین
دانشجویان نیز بروز می کند . اما آیا این اختلافات ، دسته بندیهای
مختلف را در بخش مارکسیست - لنینیستی جنبش دانشجویی اجتناب
ناپذیر مینماید ؟ بهیچوجه . اگر قبول داریم که مهمترین مسئله" پیش
پای جنبش کمونیستی نیل به وحدت در جهت ایجاد ستاد رهبری
کننده" پرولتاریا ، یعنی حزب کمونیست است ، لذا بخش کمونیستی
جنبش دانشجویی نیز باید در تبعیت از آن به سمت انجام تشکیلاتی
و اتحاد ایدئولوژیک - سیاسی معطوف گردد .

ما در برخورد به نظریه" جنبش عام سیاسی " ، و در رد موعظه های
لیبرالی در مورد وحدت همگانی موافقت خود را با سازمان دادن گروه-
بندیهای مختلف و انشعاب بر پایه" این گروهبندها ، اعلام نمودیم .
گفتیم که این انشعاب آنجا اجتناب ناپذیر است که گروهبندها بر پایه
منافع طبقاتی مختلف استوار باشد . اما بخش کمونیستی جنبش دانشجویی
که میخواهد بر پایه" منافع پرولتاریا استوار باشد ، هیچگونه گروهبندهی

سیاسی - تشکیلاتی را در درون خود اجتناب ناپذیر نمی نماید . البته این بدان مفهوم نیست که اختلافات ایدئولوژیک - سیاسی ، بخصوص در مرحله کنونی که جنبش کمونیستی ما متفرق است ، نمیتواند بروز کند . لیکن بروز چنین اختلافاتی بهیچوجه جدائی تشکیلاتی را در درون بخش میم - لام جنبش دانشجویی توجیه نمی نماید . صحبت ما در اینجا بر سر تئوری عام نیست ، بلکه بر سر مسئله مشخص " دانشجویان مبارز طرفدار آزادی طبقه کارگر می باشد . صحبت بر سر اقدام انشعابگرانه ای است که " سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر " در این ارتباط انجام داده است . رفقای " سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر " امروز این نظریه را به پیش کشیده اند که هر کدام از گروهها و سازمانهای کمونیستی باید بخش دانشجویی خود را بوجود آورند . بدیده ما این نظریه و اقدام " سازمان پیکار . . . " ، چه از نظر تئوریک و چه از نظر عملی ، توجیه پذیر نیست . از نظر تئوریک نادرست است زیرا این تشکلهای جداگانه بر منافع طبقات خاص مختلف ، مبتنی نمیشاند . ظاهراً به لنین استناد میکرد که میگوید : " قشر دانشجویی چیز دیگری می بود اگر گروهبندیهای سیاسی با گروهبندیهای کل جامعه تطابق نمیداشت " . اما رفقای پیکار باید توجه داشته باشند که منظور لنین در اینجا این است که منافع طبقات و اقشار مختلف جامعه که در گروهبندیهای کل جامعه متبلور میشود ، در گروهبندیهای دانشجویی منعکس میگردد . یعنی گروهبندیهای جنبش دانشجویی بطور اجتناب ناپذیر از منافع طبقات مختلف سرچشمه میگیرد . اما رفقا فکر می کنند که این جمله لنین بدان مفهوم است که تمام گروهها و سازمانهای سیاسی درون جامعه باید در درون جنبش دانشجویی عیناً و با همان تعداد و میزان منعکس گردد . لنین در ادامه همان جمله میگوید : " تطابق نه به مفهوم تناسب کامل گروههای دانشجویی و گروههای اجتماعی بر حسب توان و تعداد . بلکه درست به معنای وجود ضروری و ناگزیر چنین گروههایی در دانشجویان همانگونه که در جامعه موجود می باشد . " اگر گروهها و سازمانهای کمونیستی معتقد به مشیت توده ای پرولتاریائی ، با وجود اختلافات ایدئولوژیک - سیاسی و تعدد تشکیلات ، و از نظر مشی و برنامه در مجموع بیان منافع یک طبقه

واحد ، یعنی پرولتاریا ، هستند ، پس چگونه از دانشجویان میم - لام
که ایضاً انعکاس منافع همین طبقه در جنبش دانشجویی است ، میخواهید
که تشکیلاتهای مختلف بوجود آورند ؟ اصولاً هنوز يك مرزبندی دقیق آید -
تولوژیک - سیاسی بین خود گروهها و سازمانهای کمونیستی موجود نیست ،
چیزی که خود رفقای " سازمان پیکار " هم بدان اذعان دارند ، آن -
گاه چگونه میخواهیم این مرزبندی آید تولوژیک - سیاسی را در جنبش
دانشجویی ترسیم نمائیم ؟ از نظر عقلی نادرست است زیرا بغیر از یکی دو
سازمان کمونیستی ، بقیه گروهها و سازمانهای کمونیستی دارای آن چنان
نفوذی در بین دانشجویان نیستند که بتوانند سازمان دانشجویی خاص
خود را بوجود آورند . وانگهی بسیاری از کسانی که در چهارچوب " دانش -
جویان مبارز " فعالیت می کنند ، هنوز نه تنها دارای وابستگی
تشکیلاتی با سازمانها و گروههای کمونیستی نیستند ، بلکه حتی از نظر
فکری و اتخاذ مواضع سیاسی هم هیچ سازمان یا گروه معینی را انتخاب
نکرده اند . رفقای " سازمان پیکار " فوراً می گویند علت آنرا باید در
عقب ماندگی سیاسی خود این افراد پیدا نمود . این استدلال سطحی -
نگری محض است . علت اصلی را باید در ضعف تفویک - سیاسی جنبش
کمونیستی ایران ، در تفرقه و پراکندگی موجود ، که بیان این ضعف
است ، جستجو کرد . این ضعف جنبش کمونیستی است که هنوز در درون
خود تصفیه حساب نکرده ، و هنوز مرزبندیهای آید تولوژیک - سیاسی
روشن نگردیده است ، و نه ضعف آن کسانی که درست بعلت روشن
نبودن این مرزها نتوانسته اند جهت گیری مشخص نمایند . البته روشن
است که ضعفهای فکری و سیاسی برخی از دانشجویان هم نقش دارد ولی
علت اصلی آن نیست . ما نمیتوانیم ضعف خود را بگردن دیگران بیندازیم
بهتر است مسئله از نظر عقلی طرح گردد تا جوانب آن روشن تر شوند .
تشکل " دانشجویان مبارز " در تحت تأثیر اوجگیری مبارزات توده -
ای و شرکت دانشجویان در آن بوجود آمد . این تشکل بععلت مختلفی
در رای نقاط ضعف بسیار زیادی است ، از قبیل عدم داشتن برنامه و
سیاست از قبل تدوین شده ، عدم داشتن شکل سازمانی معین ، عدم
داشتن ضوابط سازمانی معین و مرکزیت و مکرانیک ، عدم داشتن رهبری

واحد سرتاسری که مبارزات آنرا بر نامه ریزی نماید و ضعفهای بسیار دیگری . آیا وجود این کمبودها و ضعفها ، مشکلات ناشی از آن ، موجودیت این گروه بندی دانشجویی را غیر ضروری مینماید ؟ خیر . زیرا علت وجودی آن در مبارزه طبقاتی پرولتاریا ، در عرصه جامعه نهفته است . زیرا که مبارزات دانشجویان مبارز " انعکاس مبارزه طبقاتی پرولتاریا می باشد که با ضعفهای جنبش کمونیستی نیز آغشته است . یعنی برخی از ضعفهای آن نیز انعکاس ضعفهای مبارزه طبقاتی پرولتاریا می باشد . مثلاً اینکه " دانشجویان مبارز " از اتحاد و انسجام ایدئولوژیک برخوردار نیستند ، و یا اگر در برخورد به برخی از رخداد های جامعه اختلافات سیاسی در بین آنها بروز می کند ، مثل جریان شرکت و یا عدم شرکت در مجلس خبرگان و غیره ، علت اصلی آن نه در خود آنها و نه در ذات چنین تشکیلاتی نهفته است ، بلکه علت آنرا باید در جنبش کمونیستی و در عدم داشتن مرکزیت مکرانیک و تشکیلات " دانشجویان مبارز " جستجو کرد . بدیهی است که علت بروز برخی انحرافات و مواضع نادرست مثل خط چهارم و امثالهم در درون " دانشجویان مبارز " ضعف ایدئولوژیک - سیاسی خود " دانشجویان مبارز " می باشد .

بنا بر آنچه که گفته شد روشن می گردد که به صرف موجود بودن ضعفهای درون " دانشجویان مبارز " ما نمیتوانیم کلاً موجودیت این تشکل را نفی نمائیم . زیرا که دارای حقانیت و علت وجودی در خاصه طبقاتی جامعه می باشد . وظیفه این است که در جهت رفع این ضعفها و کمبودها رهیایی شود .

پیشنهاد سوم اتحاد دانشجویان کمونیست در یک تشکل واحد .

الف - بنظر ما بوجود آوردن یک تشکل محکم مارکسیست - لنینیستی دانشجویی کاملاً حقانیت و ضرورت دارد . از آنجا که مارکسیسم - لنینیسم ایدئولوژی طبقه کارگر می باشد ، لذا تشکل دانشجویی کمونیستی نمیتواند قائم بذات باشد ، بلکه باید از جنبش کمونیستی ، که به طبقه کارگر تکیه دارد ، الهام بگیرد . اما از این حکم صحیح چه نادرستی که رفتای " سازمان پیکار " از آن میگیرند استخراج

آرشیو انستتاد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

نمیشود ، مبنی بر اینکه پس تشکل " دانشجویان مبارز " باید به گروههای وابسته به سازمانهای کمونیستی تقسیم گردد . زیرا این رابطه بیش از آنکه بخواهد یک رابطه صرفاً و صرفاً تشکیلاتی باشد یک رابطه و الهام گیری ایدئولوژیک - سیاسی است . یعنی تشکل " دانشجویان مبارز " می بایست قبل از هر چیز بر پایه جهان بینی مارکسیست - لنینیستی و اصول کمونیسم استحکام یابد ، می بایست بر اساس مواضع اصلی جنبش کمونیستی ، که ما زیلاً آنرا متذکر خواهیم شد ، یک خط و مشی و برنامه تدوین نموده و بر اساس اصل مرکزیت دموکراتیک و تابعیت اقلیت از اکثریت شکل سازمانی سرتاسری بدان بخشید .

مواضع اصلی که خط و مشی و برنامه باید بر اساس آن تدوین شوند عبارتند از :

- قبول مارکسیسم - لنینیسم بمثابة چراغ هدایت کننده افکار کمونیستها
 - اعتقاد به ضرورت ایجاد حزب کمونیست بمثابة کردن پیشاهنگ پرولتاریا
 - پذیرفتن انقلاب دموکراتیک نوین بمثابة مرحله انقلاب ایران ، که پایه آنرا اتحاد کارگران و دهقانان تشکیل داده و برآمد آن جمهوری دموکراتیک خلق تحت رهبری پرولتاریا خواهد بود
 - اعتقاد به مبارزه مسلحانه توده ای به عنوان تنها راه رسیدن به پیروزی در انقلاب
 - مرزبندی قاطع با رویزیونیسم مدرن و سوسی امپریالیسم روس ، که حزب " توده " پایگاه و جاسوس آن می باشد . همچنین مرزبندی قاطع با رویزیونیسم دنیا که دارودسته تن سیا و بیپنگ - هواکوفنگ عملدان در سطح جهانی بوده و سازمان " انقلابی " عامل بومی آن
 - مرزبندی دقیق با تروتسکیسم .
- از نظر شکل سازمانی و مدارج آن باید گفت که در هر دانشکده که تعداد اعضا " دانشجویان مبارز " به ۱۵ نفر برسد یک واحد بوجود می -

آید و با احتساب میزان معینی از اعضا^۱ يك ، دو و یا چند نمایندده
انتخاب میشوند (مثلاً این میزان میتواند بدین صورت باشد از ۱۵ تا
۳۰ عضو يك نمایندده ، تا ۴۶ عضو و نمایندده ، تا ۷۶ عضو ۳ نمایندده
و) این نمایندگان از بین خود با اکثریت آرا مسئولین هر دانشگاه
و سپس مسئولین هر شهر را انتخاب می کنند و با در نظر گرفتن همین
مدارج هیأت مرکزی برای سراسر ایران با اکثریت آرا انتخاب می شود .
البته بدیهی است که سازمان " دانشجویان مبارز " يك سازمان
علنی نخواهد بود ، بلکه يك سازمان مخفی و یا نیمه مخفی - نیمه علنی
خواهد بود . در تمام این مدارج سازمانی این اصل باید دقیقاً رعایت
شود . ما در اینجا تنها شکل کلی آنرا برای روشن شدن منظورمان طرح
نمودیم و شکل دقیقتر آنرا می توانیم در مباحث دقیقتری با خود رفقا در
میان بگذاریم .

ب - سازمان " دانشجویان مبارز " می بایست دست به تبلیغات
سیاسی وسیع در بین دانشجویان زده و بر این اساس بر نفوذ و اعتبار
خود در بین توده^۲ دانشجویی بیفزاید . بدین خاطر میتواند علاوه بر
پخش و تکثیر انتشارات نیروهای کمونیستی خود نیز دست به انتشار يك
ارگان سیاسی - تبلیغاتی بزند . این ارگان می بایست زیر نظر هیأت
مرکزی و بر پایه^۳ خط و مشی عمومی تهیه و تدوین گردد . در تمام این
موارد رعایت اصل مرکزیت دمکراتیک و تابعیت اقلیت از اکثریت کاملاً ضروری
بوده و بقای سازمان را تضمین می کند . برای حفظ حقوق اقلیت و بسرای
اینکه اقلیت بتواند نظرات خود را بیان دارد (البته نه بعنوان نظر سازمان)
همچنین میتوان به انتشار يك ارگان تحقیقی ، که مقالات آن به صورت
بحث آزاد تهیه میشود ، اقدام نمود . بدین ترتیب وجود اختلاف نظرات
موجب انفعال سازمانی نشده و هم اینکه اقلیت از ابراز نظرات خود محروم
نمی گردد . گفته میشود که نیروهای مختلفی که در سازمان " دانشجویان
مبارز " نفوذ دارند مجبور به ائتلاف و یا گذشتن از نظرات خود
می گردند . بنظر ما چنانچه اصل مرکزیت دمکراتیک و تابعیت اقلیت از اکثریت
بعنوان يك اصل مهم سازمانی اجرا شود ، دیگر مسئله^۴ ائتلاف تا حدود
زیادی حل میشود و تصمیم گیریها^۵ بر پایه^۶ ائتلاف بلکه بر پایه^۷ اکثریت و

و اقلیت انجام خواهد گرفت .

ج - دانشجویان کمونیست در عین حفظ هویت سازمانی و تشکیلاتی خود همچنین میبایست همراه با سایر نیروهای مترقی دانشجویی در جهت بوجود آوردن یک جنبش وسیع توده ای و ضد امپریالیستی مبارزه نموده و در این راه پیشقدم باشند . باین خاطر تمام نیروهای مترقی دانشجویی میبایست با حفظ هویت سیاسی - سازمانی خود مشترکاً یک اتحادیه توده ای دانشجویی ، بر اساس مواضع عام دمکراتیک و ضد امپریالیستی ، را بوجود آورند . این اتحادیه باید بتواند مبارزات سیاسی - صنفی توده وسیع دانشجویی را سازماندهی و رهبری نماید . اگرچه که امروز بعلل مختلفی نمیتوان بلاواسطه در راه بوجود آوردن یک چنین اتحادیه ای قدم گذارد ، اما وجود یک چنین اتحادیه ای از نظر اصولی حقانیت داشته و باید در جهت متحقق نمودن آن مبارزه کرد . باید این نظر را در بین دانشجویان تبلیغ کرد و برای تحقق آن با سایر سازمانهای دانشجویی وارد بحث و تبادل نظر شد و آنها را قانع نمود . برای هموار کردن این راه باید نخست به یکسری همکاریها و هماهنگ کردن مبارزات دامن زده و آنرا در عمل پیاده نمود .

شرط مقدماتی برای پیشبرد این مسائل انسجام سیاسی و سازمانی بخشش کمونیستی جنبش دانشجویی می باشد . بدون داشتن یک چنین سازمانی که بزرگ پایه سازمانی محکم شکل گرفته باشد ، نه حرفی از مبارزات توده ای دانشجویی و نه حرفی از تبلیغات کمونیستی ، آنطور که شرح آن رفت ، میتواند در میان باشد . سازمانها و گروههای کمونیستی نیز به سهم خود در سمت دهی به یک چنین تشکیلاتی مسئول هستند .

گروه انقلابیون مارکسیست لنینیست ۵۸، ۸، ۱۷

توضیح : تمام نقل قولها از مقاله "وظایف جوانان انقلابی" اثر لنین می باشد

-۱۳-

بهاء ۱۵ ریال

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

www.peykar.org